

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز مطالعات و تحقیقات حقوقی ایران  
تهران

دانشگاه تهران

مجمع آموزش عالی قم

۱۳۸۱ / ۵ / ۲۰

مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نگارش: حسین جوان آراسته

استاد راهنما: دکتر سید محمد هاشمی

استاد مشاور: حسین رحمت اللهی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق عمومی

اردیبهشت ۱۳۸۰

۳۲۶۳۸

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
هشت	مقدمه
۱	بخش مقدماتی
۱	مفهوم حاکمیت
۱	الف) حاکمیت داخلی (حاکمیت در دولت)
۲	ب) حاکمیت خارجی (حاکمیت دولت)
۴	حاکمیت ملی و سیر تاریخی آن
۵	حاکمیت مطلق و حاکمیت نسبی
۷	فصل اول: مبانی حاکمیت ملی در قانون اساسی
۸	درآمد
۹	بخش اول: بررسی حقوقی حاکمیت ملی
۹	طرح بحث
۹	گفتار اول: مفهوم حاکمیت ملی درق. ۱
۹	مبحث اول: حاکمیت مطلق خداوند و حاکمیت ملی
۱۲	مبحث دوم: حاکمیت ملی در اندیشه خبرگان
۱۸	مبحث سوم: حاکمیت تکوینی، حاکمیت تشریحی
۲۰	گفتار دوم: مراجعه به آراء عمومی و تأکید بر نظام شورایی
۲۰	مبحث اول: دیدگاه خبرگان قانون اساسی راجع به آراء عمومی و نقش شوراها
۲۵	مبحث دوم: مراحل ارائه، تدوین و تصویب اصل ششم و هفتم
۲۷	بخش دوم: ابعاد و زمینه‌های حاکمیت ملی
۲۷	طرح بحث
۲۷	گفتار اول: نگاهی کلی به اصول حاکمیت ملی
۲۹	گفتار دوم: قانون اساسی و ابعاد حاکمیت
۳۳	بخش سوم: مبانی فقهی حاکمیت ملی
۳۳	طرح بحث
۳۴	گفتار اول: دلیل عقل
۳۴	گفتار دوم: سیره عقلا
۳۵	گفتار سوم: آزادی و اختیار انسان
۳۶	گفتار چهارم: قاعده تسلیط
۳۶	گفتار پنجم: اصل وفای به عقود
۳۷	گفتار ششم: آیات استخلاف انسان در زمین
۳۸	گفتار هفتم: بیعت

۳۹	گفتار هشتم: آیات و روایات شورا
۴۰	نتیجه‌گیری
۴۱	فصل دوم: مبانی حاکمیت دینی در قانون اساسی
۴۲	درآمد
۴۳	بخش اول: اسلام
۴۳	طرح بحث
۴۶	گفتار اول: اصل چهارم از نظر قانون‌گذار قانون اساسی
۴۶	مبحث اول: جایگاه اصل چهارم
۴۶	مبحث دوم: مراحل تدوین اصل چهارم
۴۸	گفتار دوم: اصول مربوط به حاکمیت دینی در قانون اساسی
۵۰	گفتار سوم: شورای نگهبان
۵۱	الف. نظارت شرعی بر قوانین قبل از جمهوری اسلامی
۵۱	ب. نظارت شرعی بر قوانین در جمهوری اسلامی
۵۲	ج. وظایف و اختیارات دیگر شورای نگهبان
۵۶	بخش دوم: رهبری (ولایت فقیه)
۵۶	طرح بحث
۵۷	گفتار اول: مفهوم ولایت و اقسام آن
۵۷	الف. مفهوم ولایت
۵۷	ب. اقسام ولایت
۵۸	۱. ولایت تکوینی و تشریحی
۵۸	۲. ولایت عامه و خاصه
۵۹	چند نکته
۵۹	گفتار دوم: ولایت و رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶۰	الف. تفکر حاکم بر قانون‌گذار قانون اساسی
۶۲	ب. مبانی اصل پنجم از دیدگاه قانون‌گذار قانون اساسی
۶۸	دلایل اقامه شده بر ولایت فقیه
۷۱	گفتار سوم: دلایل عقلی و نقلی
۷۵	استمرار امامت در عصر غیبت
۷۶	الف) دلایل عقلی
۷۶	دلیل اول: برهان مبتنی بر قاعده لطف
۷۸	دلیل دوم: برهان مبتنی بر قدر متیقن
۷۸	دلیل سوم: برهان مبتنی بر اصلحیت
۷۹	دلیل چهارم
۸۰	دلیل پنجم

۸۰	.....	ب) دلایل نقلی
۸۱	.....	اول. مقبوله عمر بن حنظله
۸۶	.....	دوم. مشهوره ابو خدیجه
۸۸	.....	سوم. توقیع مبارک امام زمان
۹۳	.....	چهارم. صحیحہ قداح
۹۷	.....	پنجم. موثقه سکونی
۱۰۰	.....	نتیجه گیری
۱۰۲	.....	فصل سوم: رابطه حاکمیت ملی و دینی در قانون اساسی
۱۰۳	.....	درآمد
۱۰۴	.....	بخش اول: حاکمیت ملی و دینی در نگاهی کلی (مردم سالاری در عین دین محوری)
۱۰۴	.....	طرح بحث
۱۰۵	.....	گفتار اول: مروری بر اصول مختلط (حاکمیت ملی و دینی)
۱۰۷	.....	گفتار دوم: مروری بر نظریه های تلفیقی (حاکمیت دینی و ملی)
۱۰۷	.....	مبحث اول: اصل رابطه
۱۰۸	.....	مبحث دوم: نوع رابطه
۱۱۲	.....	بخش دوم: حاکمیت ملی و دینی در قانونگذاری
۱۱۲	.....	گفتار اول: ماهیت قانونگذاری
۱۱۲	.....	دیدگاه فقها
۱۲۰	.....	نتیجه گیری
۱۲۱	.....	گفتار دوم: رابطه میان مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت
۱۲۱	.....	مبحث اول: مجلس شورای اسلامی
۱۲۳	.....	مبحث دوم: شورای نگهبان
۱۲۴	.....	مبحث سوم: مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۲۴	.....	الف. فلسفه وجودی
۱۲۷	.....	ب. مبنای دینی
۱۳۱	.....	ج) ترکیب اعضای مجمع تشخیص مصلحت
۱۳۲	.....	بخش سوم: حاکمیت ملی و دینی در زمامداری
۱۳۲	.....	طرح بحث: ماهیت گزینش رهبری
۱۳۲	.....	تفاوت ها و نتایج مبنای انتصاب و انتخاب
۱۳۳	.....	نقاط مشترک مبنای انتصاب و انتخاب
۱۳۳	.....	گفتار اول: دلایل انتصاب
۱۳۳	.....	مبحث اول: از نظر فقهی
۱۳۵	.....	مبحث دوم: از نظر حقوقی

۱۳۹	دیدگاه اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی
۱۴۰	دیدگاه اعضای شورای بازنگری قانون اساسی
۱۴۱	گفتار دوم: دلایل انتخاب
۱۴۱	مبحث اول: از نظر فقهی
۱۴۴	مبحث دوم: از نظر حقوقی
۱۴۷	گفتار سوم: دلایل انتصابی - انتخابی بودن رهبری
۱۴۹	آراء امام خمینی
۱۴۹	الف. آرای که دلالت بر مبنای انتصاب دارند
۱۴۹	ب. آرای که دلالت بر مبنای انتخاب دارند
۱۵۰	ج. اظهاراتی که دلالت بر انتصاب و انتخاب توأمان دارند
۱۵۲	گزیده و نتیجه مباحث
۱۵۶	جداول
۱۶۲	فهرست منابع و مآخذ

### پیشگفتار

اهمیت و جایگاه علم حقوق در میان علوم انسانی برکسی پوشیده نیست. این دانش از آن جهت که بیان کننده قواعد و قوانین حاکم بر روابط انسانی است از مرتبت و منزلت خاصی برخوردار است. به موازات گسترش کمی و کیفی روابط و پدیدار شدن پیچیدگی‌های خاص در عصر حاضر این دانش نیز توسعه یافته و بر اهمیت آن افزوده شده است.

خصوصیت دنیای حقوق آن است که دانش پژوهان را بیش از پیش مجذوب خود می‌سازد و نوعی تعلق خاطر نسبت به آن در انسان پدیدار می‌گردد. گرچه ورود اینجانب به این رشته با انگیزه‌ای خاص صورت گرفت اما تأثیر درس «حقوق اساسی» در مقطع کارشناسی بر افکار و روحیه‌ام چنان بود که سمت و سوی دیگری را برایم مشخص نمود و دریچه‌ای دیگر را به رویم گشود. دوران دانشجویی در حالی سپری شد که مطالعه و تعقیب مباحث مربوط به دولت، حاکمیت، حکومت، قانون اساسی، حقوق بشر و آزادی‌های عمومی که همگی مرتبط با حقوق اساسی می‌باشند بسیار شیرین، لذت بخش و پرجاذبه بودند. از این رو انتخاب گرایش «حقوق عمومی» در مقطع کارشناسی ارشد در همین راستا صورت گرفت. گرایشی که با وجود اهمیت فوق العاده زیاد آن؛ متأسفانه به دلایلی چندان مورد اقبال دانشجویان نیست.

از آنجا که حقوق اساسی با مسأله حاکمیت و اقتدار سیاسی پیوندی ناگسستنی دارد و شناخت صحیح از حاکمیت‌ها مبنی بر شناخت مبانی تئوریک و نظری آنهاست، موضوع این پایان نامه «مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» انتخاب گردید.

از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» و «مَنْ عَلِمَ حَقّاً فَقَدْ صَبِرَ عِبَاداً» بر خود فرض و لازم می‌دانم از همه استادان ارجمند به ویژه آقایان دکتر سید محمد هاشمی و حسین رحمت‌اللهی که در زمینه راهنمایی و مشاوره این پایان نامه قبول زحمت نمودند کمال تشکر و قدر دانی را نموده آرزومند توفیقات روز افزون برای آن عزیزان باشم.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْتِي  
رَبَّهَا (۱)

۱. انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگترین انقلاب‌های جهان است که سرمنشأ تحولات گسترده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه بشری بوده و خواهد بود. ملت بزرگ و هوشمند ایران با گذر از دو انقلاب مشروطیت و ملی شدن نفت و کسب تجربه‌های ارزشمند از گذشته خویش این بار انقلاب را بنیادی نهاد که ویژگی اصلی آن، اسلامی بودن آن است. این انقلاب با سرعت و وسعت شگفت‌انگیزی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود نفوذ کرد و پیام خویش را که پیام عزت، کرامت، آزادی و حریت و عدالت بود با صدایی رسا در جهان طنین افکن نمود.

۲. مهم‌ترین محصول انقلاب تأسیس یک نظام سیاسی تقریباً منحصر به فرد با نام جمهوری اسلامی است که تاکنون هیچ‌گونه مشابهی برای آن وجود نداشته است. این نظام ضمن پذیرش حاکمیت ملی و ارج نهادن به مردم سالاری مبتنی بر نوع دیگری از حاکمیت نیز می‌باشد که می‌توان از آن به حاکمیت دینی تعبیر نمود.

۳. بنیادها و مبانی نظام‌های سیاسی رایج و حاکمیت‌های موجود در جهان معاصر با توجه به سابقه نسبتاً طولانی و دیرپایی آنها برای کارشناسان علوم سیاسی و صاحب نظران حقوقی شناخته شده‌اند. نحوه شکل‌گیری، توزیع و جریان قدرت و نظارت بر کارکرد نهادهای صاحب قدرت در هر یک از این نظامها تقریباً مشخص است. نوپائی جمهوری اسلامی و طراحی حاکمیت تلفیقی که تاکنون مسبوق به سابقه‌ای نمی‌باشد، ضرورت پرداختن به «مبانی حاکمیت» در چنین نظامی را به خوبی نمایان می‌سازد و بررسی دقیق و عالمانه اصول و پایه‌های اساسی نظام به ویژه در دو حوزه «حقوق اساسی» و «علوم سیاسی» انکارناپذیر می‌نماید.

۴. در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای روشن به ثنوی بودن حاکمیت اعتراف شده و به عنوان مثال در اولین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوع حکومت این گونه معرفی شده

۱- ابراهیم (۱۴) آیه ۲۴ و ۲۵. آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درخت پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد.

است: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است.» به موجب این اصل، نظام سیاسی ایران برخوردار از نوعی ثنویت در حاکمیت می‌باشد. جمهوریت نمایانگر حاکمیت ملی و اسلامیت نشانگر حاکمیت دینی است. در ذیل آخرین اصل قانون اساسی (اصل ۱۷۷) نیز آمده است:

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی... جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره کشور با اتکا به آراء عمومی... تغییرناپذیر است.

پذیرش توأمان دو نوع حاکمیت و تلفیق و سازگاری میان آنها در هیچ یک از قوانین اساسی موجود در نظام‌های سیاسی به چشم نمی‌خورد<sup>(۱)</sup>. دلیل آن را می‌توان در تضاد ظاهری میان مفاهیم جمهوری و اسلامی ردیابی نمود. هر یک از این دو، ملاحظات و اقتضائاتی دارند که منهای آن ملاحظات، عناوین یاد شده، مفهوم واقعی خویش را از دست می‌دهند. جمهوریت بر مبنای مشارکت مردمی، آزادی‌های عمومی و گردن نهادن بر رأی اکثریت استوار می‌گردد. تکثرگرایی در جوه مختلف اعتقادی، فرهنگی و سیاسی طبیعی‌ترین ره آورد اعتقاد به مشارکت و تبعیت از اکثریت خواهد بود. این امر دست کم در مواردی با آموزه‌های دینی که در بردارنده دستورات ثابت، عام و برتر از آرا و اندیشه‌های بشری است قابل جمع نمی‌باشد. به تعبیر منطقی نسبت میان جمهوری و اسلامی، عموم و خصوص من وجه است. برخی از مصادیق قابل انطباق بر هر دو مفهوم جمهوری و اسلامی و مواردی نیز تنها منطبق بر یکی از این دو می‌باشد. بر همین اساس بعضی هرگونه آشتی میان جمهوریت و اسلامیت را منتفی دانسته و اصولاً تعبیر جمهوری اسلامی را معمایی لا ینحل اعلام نموده اند<sup>(۲)</sup>.

۱- در اصل سوم قانون اساسی فرانسه آمده است: حاکمیت ملی متعلق به مردم است که آن را توسط نمایندگانشان و از طریق همه پرسه اعمال می‌نماید. اصل یکم این قانون مقرر می‌دارد که: «فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه، غیر مذهبی، دموکراتیک و اجتماعی است.» (اداره کل توافقیات بین المللی، قانون اساسی فرانسه، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۶، ص ۲۱-۲۲). در اصل اول قانون اساسی جمهوری ایتالیا آمده است: «حاکمیت متعلق به مردم می‌باشد که بر طبق قواعد و در حدود مقرر در قانون اساسی اعمال می‌گردد.» (اداره کل توافقیات بین المللی، قانون اساسی ایتالیا، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۵، ص ۲۱).

۲- «جمهوری که در مفهوم سیاسی و لغوی و عرفی خود جز به معنای حاکمیت مردم بر مردم نیست، هرگونه حاکمیت را از سوی شخص یا اشخاص یا مقامات خاصی به کلی منتفی و نامشروع می‌داند و هیچ شخص یا مقامی را جز خود مردم به عنوان حاکم بر امور خود و کشور خود نمی‌پذیرد. بنابراین، این قضیه که: «حکومت ایران حکومت جمهوری است» و «در حاکمیت ولایت فقیه است» معادل است با: «حکومت ایران حکومت جمهوری است» و «این چنین نیست که حکومت ایران حکومت جمهوری است...» یک تناقض بدین آشکاری را

آیا حقیقت امر همین گونه است و یا آنکه تقابل های ظاهری این گونه، با تأملاتی جای خویش را به تعامل های منطقی خواهند داد؟ جمهوریت در جمهوری اسلامی، نمادی از شکل حکومت و «اسلام» حکایتی از محتوای آن است<sup>(۱)</sup>. این اشکال به صورت دیگری نیز پاسخ داده شده است: «هر چند پایه های اساسی دموکراسی و جمهوری متکی بر مشارکت، آزادی همگانی و تساوی عموم می باشد. اما اعمال دموکراسی بر سبیل اتفاق آراء اصولاً غیر ممکن خواهد بود... در کشوری که دارای مذاهب متعدد است، چنانچه پیروان یکی از مذاهب، اکثریت عددی جامعه را نسبت به سایر ادیان و مذاهب تشکیل دهند، تصمیم آنان در مراجعه به آراء عمومی به اکثریت مورد نظر نایل خواهد شد. با این استدلال در مورد ایران که اکثریت مردم آنرا مسلمانان تشکیل می دهند به خاطر مشارکت قاطع دارندگان حق رأی در همه پرسی تبیین نظام سیاسی کشور، مفهوم «جمهوری» و مفهوم «اسلامی» قابل جمع به نظر می رسند<sup>(۲)</sup>. ۵. از آنجا که در مجلس خبرگان قانون اساسی، بسیاری از فقها حضور داشته اند و با توجه به پیام امام خمینی - قده - به اعضای این مجلس و تأکید بر این که: «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد در صد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است» و این که «تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام منحصراً در صلاحیت فقهای عظام است<sup>(۳)</sup>» علی القاعده این اطمینان وجود دارد که بسیاری از اصول قانون اساسی برگرفته از مبانی دینی و موازین شرعی است. از این رو لازم است نگرش به قانون اساسی کشور نگرش توأمان حقوقی - فقهی باشد. مفاهیم اساسی چون مشروعیت حاکمیت، نقش

نیروی عاقله ی بشری هرگز نپذیرفته و نخواهد پذیرفت.» (مهدی حائری، حکمت و حکومت، بی جا، بی تا، ص ۲۱۶).

۱- ر.ک: مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۸۰- ۸۵: «کلمه جمهوری اسلامی شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می کند و کلمه اسلامی محتوای آن را... یعنی پیشنهاد می کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند... اشتباه آنها که این مفهوم را مبهم دانسته اند این است که حق حاکمیت ملی را مساوی با نداشتن مسلک و ایدئولوژی و عدم التزام به یک سلسله اصول فکری درباره جهان و اصول علمی درباره زندگی دانسته اند... مردم حق دارند سرنوشت خودشان را خودشان در دست بگیرند و این ملازم با این نیست که مردم خود را از گرایش به یک مکتب و یک ایدئولوژی معاف بشمارند... بنابراین اسلامی بودن این جمهوری به هیچ وجه با حاکمیت ملی و یا به طور کلی با دموکراسی منافات ندارد.»

۲- سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶.

۳- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی ق. ا. ج. ۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۶۴، جلد ۱، ص ۵ و

مردم، جایگاه رهبری، نظام تفکیک قوا، حقوق ملت، آزادی و ده‌ها مسأله دیگر هرگاه تنها از منظر حقوقی محض یا فقیه محض مورد بررسی قرار گیرند نمی‌توانند تصویری صحیح از آنچه را که مورد نظر قانونگذار قانون اساسی بوده است ارائه نمایند.

اشکال عمده‌ای که در بسیاری از آثار اندیشمندان حوزوی یا دانشگاهی وجود دارد از همین منظر قابل درک می‌باشد. یک سویه‌نگری چه از زاویه فقهی و چه حقوقی مانع از برداشت‌های صواب و مطابق با واقع در برخی موارد گشته است. ما امروز برای تبیین صحیح حاکمیت موجود نیازمند بررسی جوانب مختلف آن در ابعاد کلامی، فقهی و حقوقی هستیم. این بررسی به هر میزانی عالمانه‌تر و عقلانی‌تر صورت پذیرد، در ارائه تصویری شفاف از حاکمیت موجود - همان‌گونه هست - موفق‌تر خواهد بود.

۶. تجربه تدوین قانون اساسی منطبق با موازین حقوقی و مبانی دینی را می‌توان از یک نظر اولین تجربه‌ای دانست که فقیهان را با فقه دولت و حقوق عمومی به صورت عینی درگیر نموده است. در عالم فقاہت شیعه در عین ژرف‌نگری‌ها و دقت نظرهای درخور توجه در ابواب مختلف فقه خصوصی که گنجینه‌ای عظیم و کم‌نظیر را در بخش حقوق خصوصی عرضه نموده است متأسفانه به مباحث حقوق عمومی و آنچه مربوط به دولت و قدرت است که اصطلاحاً «فقه الدولة» نامیده می‌شود کمتر توجه شده است. بدون شک عواملی از قبیل در اقلیت بودن شیعه، فشار و خفقان حکومت‌های وقت، غصب خلافت امامان معصوم، رانده شدن شیعیان از صحنه حکومت و مدیریت جامعه و در چند قرن اخیر القای تفکر جدایی دین از سیاست را می‌توان در نپرداختن به فقه دولت و حقوق عمومی سهم دانست. همین امر دشواری تحقیقات حقوقی را با ملاحظات فقه دولت آشکار می‌سازد ضمن آنکه اهمیت و ضرورت آن را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد.

۷. از نقطه نظر تاریخی و بررسی سیر تحولاتی که منتهی به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گردید تأمل در مراحل زیر بایسته است:

یک. ردیابی اندیشه نظام جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی آن را بدون شک باید در اندیشه و افکار امام خمینی - قده - جست و جو نمود. امام خمینی در سال ۱۳۴۸ در حوزه کهن و هزار ساله نجف اشرف در دوران تبعید، با تدریس مبانی حکومت اسلامی و ولایت فقیه طرحی نو در انداخت و به تبیین و تفسیر دلایل عقلی و نقلی نظام سیاسی مورد نظر اسلام همت گمارد. هنوز یک دهه از طرح این مبانی نگذشته

بود که با پایمردی‌ها و رهبری‌های پیامبرگونه او جهان در دهه‌های پایانی قرن بیستم، پیروزی انقلاب اسلامی را با نا باوری تمام به نظاره نشست و رؤیای تأسیس دولت اسلامی با دست با کفایت او جامه عمل به خود پوشید. او بزرگ مردی بود که از ظرف زمان خویش جلوتر می‌زیست؛ اندیشه و همت والایش افقهای دور دست را به مطالعه می‌نشست و جلوتر از زمان و مکان پی ریزی بنیان نظامی نوین را مهندسی می‌نمود. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حقیقت بازگو گردیده است که: «طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شده انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت»<sup>(۱)</sup>. دو. در هنگام اقامت امام خمینی در پاریس و همزمان با اوج‌گیری قیام ملت علیه نظام طاغوتی و استبدادی شاهنشاهی، اولین گامها برای تدوین قانون اساسی برداشته شد. پیش‌نویس اولیه در همان جا تهیه شد و سپس در ایران مورد بررسی قرار گرفت<sup>(۲)</sup>. در تاریخ ۵۷/۸/۱۶ به فاصله ۳ ماه قبل از پیروزی انقلاب، امام خمینی در مصاحبه‌ای چنین اظهار نمود: «با طرحی که تدارک دیده‌ایم تلاش می‌کنیم که عموم ملت از همه طبقات آگاهانه و آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کنند و سپس نمایندگان، دولت را و مسئولین هر مقامی را انتخاب می‌کنند»<sup>(۳)</sup>.

سه. در مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ طی پیامی در زمینه تشکیل شورای انقلاب بر ضرورت تشکیل «مجلس مؤسسان منتخب مردم به منظور تصویب قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی»<sup>(۴)</sup> تأکید گردید. امام در سخنرانی تاریخی خود در آغاز ورود خود به ایران در بهشت زهرا بار دیگر بر تأسیس مجلس مؤسسان تأکید نمود و سرانجام در حکم انتصاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری در ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ مهمترین برنامه‌های دولت موقت از سوی امام «رجوع به آرای عمومی درباره تغییر نظام سیاسی کشور به نظام جمهوری اسلامی» و «تشکیل مجلس مؤسسان منتخب ملت جهت تصویب قانون اساسی جدید»<sup>(۵)</sup> اعلام شد.

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. صحیفه نور، جلد ۳، ص ۴۷.

۲. ر.ک. سید محمد هاشمی، پیشین، جلد ۱، ص ۲۷.

۵. همان، جلد ۵، ص ۲۸.

۴. همان، جلد ۴، ص ۲۰۷.

چهار. به منظور اجرای این فرمان تهیه پیش نویس قانون اساسی از سوی دولت به شورای عالی طرحهای انقلاب واگذار گردید<sup>(۱)</sup> و متعاقب آن «در جلسه مشترک اعضای دولت و شورای انقلاب که در حضور امام در قم تشکیل گردید... با تصویب اکثریت و موافقت امام خمینی مقرر گردید مجلس بررسی قانون اساسی تشکیل گردد و طرح پیشنهادی قانون اساسی بعد از بررسی به همه پرسى گذاشته شود<sup>(۲)</sup>». پس از این جلسه، امام خمینی از مهندس بازرگان طی فرمان ۱۳۵۸/۳/۴ خواست تا پس از تکمیل طرح پیش نویس دولت موقت و تصویب آن توسط شورای انقلاب، این طرح جهت نقد و بررسی در اختیار افکار عمومی قرار گیرد تا همه صاحب نظران، پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند و ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیت های مذهبی نمایندگان صاحب نظر خود را انتخاب کنند و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهاد های مفیدی که رسیده است مواد قانون را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایند و سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادی ها و فرصت های رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی که ضامن حقوق همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بدان رأی مثبت داده است پیش بینی گردد و پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب نظر مردم مورد بررسی نهایی قرار گرفت به رأی گذارده شود و طی همه پرسى نهایی همه آحاد ملت قبول و یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایند<sup>(۳)</sup>».

در راستای اجرای فرمان مذکور، شورای انقلاب لایحه قانونی انتخابات مجلس خبرگان را تصویب نمود. فعالان سیاسی با گرایش های گوناگون در تلاش برای کسب اکثریت آراء در مجلس خبرگان بودند و امام نیز در دیدارهای خویش مکرراً و مؤکداً از مردم می خواست تا کسانی را برگزینند که اسلام شناس، وطن خواه، امین و آگاه به زمان و بدون گرایش به شرق و غرب بوده، اسلام را قابل انطباق بدانند<sup>(۴)</sup>. مهمترین دغدغه امام در این مقطع، دغدغه خبرگان بود و با مردم نگرانی خویش را این گونه ابراز می نمود: «باید آن کسانی را که تعیین می کنید برای بررسی، خیره اسلامی باشند... افراد خیره و دانشمند به احکام اسلام... دلسوز به اسلام... اشخاص خبیر مطلع و مطلع بر اوضاع روز، این ها با باید تعیین بکنید تا بررسی کنند و یک قانونی که مطابق با میل همه ملت است که آن عبارت از قانون غیر مخالف با قانون اسلام است، هیچ چیزش مخالف اسلام نباشد - ان شاء الله - درست بشود<sup>(۵)</sup>».

۱- سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۲۷.

۲- همان، ص ۲۸.

۳- همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۴- همان، ج ۸، ص ۱۲۸-۱۲۹.

در آخرین پیام امام به ملت در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان بار دیگر ویژگی‌های نمایندگان این مجلس یادآوری گردید: «خبرگانی که... انتخاب می‌شوند باید آشنا به مسائل اسلام و خبره در آن باشند و نیز معتقد به اسلام و متعهد و امین و ملی و مورد اعتماد و بی‌گرایش به چپ و راست و پرهیزگار باشند»<sup>(۱)</sup>

پنج. سرانجام در مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۱ انتخابات مجلس خبرگان برگزار گردید و ۷۳ نفر نمایندگان و خبرگان مردم انتخاب شدند. از لحاظ گرایش فکری «عده‌ای از آنان از متخصصین و شخصیت‌های ملی و اسلامی و اقلیت‌های دینی و جمع کثیری از آنان فقها و متخصصین احکام شرعی بودند»<sup>(۲)</sup>. مطابق آمار ارائه شده ۴۱ نفر از نمایندگان منتخب از نظر میزان تحصیلات جوزوی به درجه اجتهاد نائل شده بودند<sup>(۳)</sup>. یکی از فقهای بنام نیز معتقد است که حدود ۴۰ تن از تدوین‌کنندگان قانون اساسی، مجتهد مسلم بودند<sup>(۴)</sup>. بدین ترتیب با توجه به این که برای تصویب هر اصل از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو سوم آرای مجموع نمایندگان یعنی حد الاقل ۴۸ رأی لازم بود با اطمینان می‌توان ادعا نمود که:

اولاً: هیچ اصلی از اصول این قانون مغایر با احکام اسلام نیست.

ثانیاً: اصولی از قانون اساسی که مرتبت با آموزه‌های شرعی است مبتنی بر مبانی دینی است.

ثالثاً: نسبت به حاکمیت دینی در کنار حاکمیت ملی، عنایت و اهتمام خاصی وجود داشته است زیرا بنا به تصریح نایب رئیس مجلس خبرگان (شهید بهشتی) «از اول تا این جا کوشیده‌ایم که مبانی اسلامی را در قانون اساسی بیاوریم»<sup>(۵)</sup> این سخن کسی است که به شهادت آمار ارائه شده، بیشترین نطقها، توضیحات، پیشنهادات، سؤال‌ها و تذکرات را در مجلس خبرگان به خود اختصاص داده<sup>(۶)</sup> و طبعاً موثرترین عضو خبرگان بوده است.

موضوع رساله حاضر با توجه به این مقدمه «مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» انتخاب گردیده است. اهداف پژوهش، ضرورت پژوهش، سؤالهای اصلی و فرعی، فرضیه و مفاهیم

۱- همان، ص ۲۲. ۲- سید محمد هاشمی، همان، ص ۲۹.

۳- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج. ۱. ج ۴ ص ۴۰۸.

۴- عبد الله جوادی آملی. ولایت فقیه، رهبری در اسلام، (چاپ سوم، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲) ص ۱۸۹.

۵- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی ق. ا. ج. ۱. ص ۳۷۷. ۶- همان، ج ۴، ص ۴۱۶ و ۴۱۷.

۲. تبیین مبانی حاکمیت

۳. تحلیل چگونگی در آمیختن دین مداری و مردم سالاری در ق.ا. و نحوه به جریان افتادن قدرت.

۴. اثبات نیاز به دانش دینی در کنار دانش حقوقی برای فهم دقیق قانون اساسی.

### ضرورت پژوهش

ضرورت تحقیق را می‌توان در امور زیر فهرست نمود:

۱. جایگاه برتر و محوری «حاکمیت» در مباحث علوم سیاسی و حقوق اساسی.

۲. رشد فزاینده طرح مباحث مربوط به حاکمیت در فضای فرهنگی و سیاسی - اجتماعی در سطح ملی و

بین‌المللی.

۳. ضرورت تحلیل و بررسی حاکمیت در ق.ا. جمهوری اسلامی ایران به عنوان تجربه‌ای نو در نظام‌های

سیاسی و چالش آن با سایر اندیشه‌های سیاسی و حقوقی.

۴. دفاع عقلانی و منطقی از «جمهوری اسلامی» با توجه به موازین حقوقی و مبانی دینی.

### سؤال‌های اصلی و فرعی پژوهش

۱. حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران بر چه مبانی بنا شده است؟

۲. آیا حاکمیت در نظام سیاسی ایران ملی است یا دینی؟

۳. قانون اساسی چگونه میان جمهوریت و اسلامیت جمع نموده است؟

سؤالهای فرعی در لابه لای مباحث بویژه در آغاز هر بخش مطرح خواهد شد.

### فرضیه:

مطابق آنچه که از قانون اساسی ج.ا. به دست می‌آید، در حقوق اساسی ایران حاکمیت دوگانه مطرح

است؛ قانون اساسی ج.ا. در تلفیق میان دو نوع حاکمیت به طور نسبی موفق بوده گرچه در پاره‌ای از

اصول خود نیازمند جرح و تعدیل و یا شفافیت بیشتری است؛ جمهوری اسلامی مدل مناسبی از

حکومت اسلامی است و ترکیب دو نوع حاکمیت و برخورداری از پشتوانه توأمان «ملت و مکتب»

می‌تواند بر کارآمدی یک نظام سیاسی تأثیر مثبت گذارد. رهبری که در نظام اسلامی از جایگاه ویژه‌ای

برخودار است، مطابق حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران انتصابی - انتخابی است.

### مفاهیم کلیدی

واژگان کلیدی که در این پژوهش مورد توجه‌اند عبارت می‌باشند از:

۱. حاکمیت ۲. حکومت ۳. ملت ۴. امت ۵. ولایت فقیه